نشریه علمی اندیشه نوین دینی
سال ۱۶، تابستان ۹۹، شماره ۶۱
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۱۲۶ ـ ۱۰۵

Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
Vol. 16, Summer 2020, No. 61
Scientific Research Article

امامت و تقویت مؤلفه‌های شناختی «سرمایه اجتماعی»

سید محمدعلی شریعتی*

چکیده

امروزه سرمایه اجتماعی دارای اهمیت فراوان است و پایین بودن آن به این معناست که ذخیره اعتماد اجتماعی به قدر کافی درجامعه وجود ندارد و در نتیجه آن پیوندها درجامعه مخدوش شده و اخلاق عمومی مورد تهدید قرار می‌گیرد و بدنبال آن کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی دستخوش بحران می شود. در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی در کشورمان ارائه نظریه‌ای بومی و متناسب با ساختار و شرایط سیاسی و اجتماعی کشورمان و با رویکردی دین محور و ارزشی ضروری است. دراین مقاله با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و نیز تاریخی ـ تفسیری به این مهم پرداخته می شود که امامت شیعه، با داشتن شاخصه هایی چون عصمت، علم و ولایت الهی ضمن ارائه ی بهترین منظومه معرفتی سرمایه اجتماعی در گسترش و تقویت مهمترین مؤلفه های شناختی سرمایه اجتماعی یعنی مولفه اعتماد و دو شاخه اصلی آن یعنی باور و رفتار اعتمادی بسیار موثراست.

واژگان کلیدی

امامت، ولایت، تشیع، سرمایه اجتماعی، اعتماد، سرمایه اجتماعی شناختی.

---

*. دکترای علوم سیاسی، گروه معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
shariaty1347@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۵

طرح مسئله

سرمایه اجتماعی یک مجموعه از نهادهای زیربنایی اجتماع نیست بلکه حلقه اتصال‌دهنده افراد در قالب نهادها، شبکه‌ها و تشکل‌ها محسوب می‌شود (اخترمحققی، ۱۳۸۵: ۱) که بر ارتباطات و روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که در لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها جریان دارد و از طریق تشکیل و تقویت شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه تسهیل کنش‌های اجتماعی و تأمین نیازهای اجتماعی وگسترش همکاری‌ها، تعاون و مبادله توانمندی‌ها و تخصص‌ها میان انسان‌ها را فراهم می‌کند. در بحث سرمایه اجتماعی مسائل کیفی و چگونگی روابط انسانی دغدغه اصلی دانشمندان قرار گرفته است؛ چراکه برای تکوین آن صرف روابط به‌خودی‌خود کافی نیست، بلکه نیاز به روابطی است که از اساس شامل سجایایی از قبیل اعتماد، صداقت، امانت و ... باشد و بتواند سازوکارهایی اثرگذار در چگونگی روابط میان افراد و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی فراهم آورد.

متاسفانه تحقیقات مختلفی که در زمینه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده، بیانگر فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران است (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۲۱۶؛ ارزش‌ها و نگرشها، ۱۳۹۵: ۴۳۱ـ۴۲۳؛ حمیدی‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۷ ـ ۹۵) که نمادهای آن را در گسترش مسائلی چون افول اخلاق، افزایش بی‌اعتمادی و روند روزافزون رفتارهای هنجارشکنانه می‌توان مشاهده کرد. ادامه این وضعیت می‌تواند جامعه ما را با انواع آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو کرده و در آینده بحران‌ساز شود.

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین علل بروز این مشکل در کشورمان توجه صرف به رشد اقتصادی در برنامه‌ریزی‌ها و عدم‌توجه به فرهنگ غنی شیعه و آموزه‌های مبتنی بر تعالیم امامت در مباحث توسعه‌ای کشورمان است. چراکه نمودها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر جامعه رنگ و بوی هویتی آن را دارد. تشیع و گفتمان غنی امامت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی جمعی ایرانیان علاوه بر آنکه دربرگیرنده آیین‌ها، اصول، ارزش‌ها، احساسات و هویت مشترک مردم ایران است، دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی آنها ازجمله فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و ... است. اسوه بودن امام در شیعه و تأکید بر اطاعت عملی از آن بزرگان، پدیده‌ای علامت‌دهنده برای شکل‌گیری یک نظام سالم اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. به صورتی که گویی منشأ بسیاری از محصول‌های سرمایه اجتماعی در سیره و رفتار ائمه‌علیهم‌السلام یافت می‌شود و می‌تواند موتور مولد سرمایه اجتماعی در کشورمان قرار گیرد. در این تحقیق ما به‌دنبال توصیف صرف سرمایه اجتماعی نیستیم، بلکه تلاش داریم با ارائه یک نظریه تحلیلی به سازماندهی عوامل سازنده سرمایه اجتماعی بپردازیم و

در این جهت آموزه‌های امامت شیعه را موردِبحث و بررسی قرار دهیم و به این سوال پاسخ دهیم که امامت شیعه دارای چه ظرفیت‌هایی در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در ایران است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که هرچند در امامت به‌طور مستقیم از اصطلاح سرمایه اجتماعی سخنی به میان نیامده ولی محتوای آن در اندیشه و سیره عملی ایشان تبلور یافته است. مفاهیمی چون وحدت، تفاهم، اخوت، اعتماد، صداقت، تعهد و وفاداری به‌وفور در آموزه‌های آن بزرگواران یافت می‌شود که تبیین آنها نقشی راهگشا در تولید سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در کشورمان خواهد داشت. لذا با بازخوانی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی و نگاه ائمه‌علیهم‌السلام به‌عنوان مفسران و باطن دین، دلالت‌های مفهومی این مؤلفه‌ها در مجموعه آموزه‌های امامت مورد بررسی قرار گرفته و با تمرکز بحث در حوزه سرمایه اجتماعی شناختی تلاش شده به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که عناصر اصلی و دلالت‌های مفهومی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی در مجموعه آموزه‌های اخلاقی امامت کدام است؟

روش تحقیق

با توجه به ویژگی‌های موضوع که جنبه اکتشافی دارد، در این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی ـ تحلیلی و از روش تاریخی ـ تفسیری نیز استفاده شده است. در جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و تحلیلی استفاده شده و با مراجعه به متن سخنان ائمه اطهارعلیهم‌السلام و در جهت تأیید دستگاه مفهومی گام برداشته شده است و در کنار آن با لحاظ ابعاد عینی و ذهنی و سطوح خرد وکلان سرمایه اجتماعی شناختی، هر مؤلفه و شاخص موردِبحث قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در نگاه جامعه‌شناسان، دین با داشتن مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. دورکیم[1] (۱۹۱۷ ــ ۱۸۵۸) از جمله کسانی است که در کتابش با عنوان صور بنیانی حیات دینی به صورت کلان به مذهب توجه کرده و آنرا ملاط انسجام جامعه می‌بیند. او می‌نویسد تشریفات و احساسات مذهب برای کارکرد مناسب زندگی معنوی جامعه، درست به اندازهٔ غذا برای حفظ حیات جسمی او ضرورت دارد و نیرویی قوی در جهت ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی ایجاد می‌کند. (Durkheim, 1912: 358) گریلی[2] نیز در

1. Durkheim.
2. Greeley.

پژوهشی با عنوان ساختارهای مذهبی منبع سرمایه اجتماعی، نشان می‌دهد که در کشورهایی که سطح دینداری پایین است سطح سرمایه اجتماعی و به ویژه مشارکت و اعتماد اجتماعی نیز در سطح پایینی قرار دارد. (Greeley, 1997: 587 - 594) ولر[1] در تحقیق خود با عنوان سازمان دینی و سرمایه اجتماعی، از سازمان‌های دینی به عنوان پل ارتباطی بین مردم و جامعه یاد می‌کند به گونه‌ای که هرچه این ارتباط قوی‌تر باشد سرمایه اجتماعی بیشتر در جامعه یافت می‌شود. (Weller, 2011: 271 - 289) در پژوهش‌های داخلی کتابی و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت‌عنوان دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی، به ارائه رهیافتی پرداختند که در قالب آن دین به عنوان نظامی کثیرالاجزاء و از طریق ابعاد متعدد خود فعلیت سرمایه اجتماعی را محقق می‌کند. گنجی و هلالی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان رابطه گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی، بیان می‌کنند ه دین با داشتن دستاوردهایی چون تقویت روحیه امیدواری و نشاط، ایجاد روحیه همدلی، همبستگی و انسجام اجتماعی در تقویت سرمایه اجتماعی بسیار مؤثر است. در یک جمع بندی می‌توان گفت در تحقیقات انجام شده به رابطه دین و سرمایه اجتماعی به طور کلان پرداخته شده است ولی موضوع این مقاله که به صورت خاص به نقش و جایگاه امامت شیعه در تقویت سرمایه اجتماعی می‌پردازد تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

سرمایه اجتماعی و اهمیت آن

سرمایه اجتماعی از طرق مختلف می‌تواند در بهبود نهادهای اجتماعی و تسهیل در روند توسعه مؤثر باشد. در بعد اجتماعی به قول دوتوکویل، سرمایه اجتماعی مانند یک چسب، اجتماع را به هم پیوند می‌دهد (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۳) و با تقویت اعتماد اجتماعی ضمن دادن احساس امنیت به فرد، به برقراری، گسترش و عمق‌بخشی به ارتباطات و مشارکت اجتماعی کمک کرده و از فردگرایی مفرط و ضد اجتماعی افراد جلوگیری می‌کند. (تحقیقی، ۱۳۸۲: ۲۲؛ فیلد، ۱۳۸۶: ۹۸)

در بعد اقتصادی، سرمایه اجتماعی با ایجاد جو اعتماد، همدلی و مشارکت نیاز به‌کارگیری سازوکارهای رسمی را در مبادلات کاهش می‌دهد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۵) و زمینه افقی شدن ساختارهای مدیریتی و کاهش کنترل‌های انسانی، (همان: ۱۷۷) کارآیی نهادها، کاهش هزینه‌ها و کسب سود بیشتر را فراهم می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۲: ۴۰) و شرایط را برای ارائه یک افق بلند مدت زمانی برای تفکر و برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اعتماد به آینده، شکوفایی خلاقیت‌ها و رشد و توسعه

1. Weller.

کشور فراهم می‌آورد. (تحقیقی، ۱۳۸۲: ۲۷) این اثر تا بدانجا است که گفته می‌شود در ازای هر هفت درصد رشد شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری افزایش یافته و یک دهم درصد به تولید ناخالص ملی اضافه می‌گردد. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۶)

در بُعد سیاسی، وجود سرمایه اجتماعی باعث افزایش مشروعیت نظام سیاسی می‌شود. به این معنا که جامعه حق فرمان‌دادن برای فرمانروایان و وظیفه فرمان‌بردن خود را از آنان می‌پذیرد (ابوالحمد، ۱۳۸۲: ۲۴۵) و به‌دنبال آن نیاز به استفاده از ابزارهای اعمال قدرت وکنترل کاهش می‌یابد و به جای صرف هزینه‌های مادی و انسانی برای آنها، این هزینه‌ها برای توسعه صرف می‌گردد و دولت ضمن ایجاد رضایت و اعتماد عمومی، قدرت خود را برای مواجه با چالش‌های توسعه، افزایش داده و توانایی‌های بین‌المللی وکارآیی خود را افزایش می‌دهد.

بعد شناختی سرمایه اجتماعی و شاخصه‌های آن

سرمایه اجتماعی دارای دو بعد شناختی و ساختاری است. باورهایی که در قالب هنجار قرار می‌گیرند، بعد شناختی و مجموعه شرایط محیطی که امکان عمل به باورها را فراهم می‌سازد بعد ساختاری آن را تشکیل می‌دهد. (uphoff, 2000: 218) سرمایه اجتماعی در شکل شناختی آن به جنبه‌های ذهنی و نامحسوسی همچون مفاهیم، زبان مشترک، هنجارها، ارزش‌های مشترک و اعتماد اشاره دارد.که در حقیقت بیان‌گر جنبه کیفی سرمایه اجتماعی است. (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۶۸)

درواقع می‌توان گفت که هر دو بعد سرمایه اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته‌اند و به یکدیگر کمک می‌کنند. بعد شناختی وابستگی متقابل مثبت را برای کنش‌های جمعی دوطرفه خلق و تقویت می‌کند و دیگری (بعد ساختاری) کنش‌های جمعی دارای منافع دوطرفه را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر یکی، مردم را به‌سوی کنش جمعی سودمند دوطرفه ترغیب می‌کند و دیگری انجام چنین چیزی را تسهیل می‌کند.

شاخصه‌های شناختی سرمایه اجتماعی

در بعد شناختی سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی توجهی خاص می‌شود که مجموعه هنجارهای اعتماد از مهم‌ترین شاخصه‌های آن محسوب می‌شوند و در شکل‌گیری تعلق جمعی، همیاری و متراکم شدن تعاملات اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. اعتماد به‌عنوان چسب اجتماعی تعریف شده است (رئیس دانا، ۱۳۹۱: ۱۱) که اعضای سازمان را به یکدیگر متصل می‌کند و به‌عنوان جزء اساسی و گام اول تولید سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. وجود تعاریف متعدد از مناظر و رشته‌های

متفاوت دانشگاهی از یک‌سو و مطالعه‌های تجربی صورت پذیرفته از سوی دیگر، ماهیت اعتماد را بحث‌برانگیز نموده است. ما با الهام از مایر[1] و همکاران برای متغیر اعتماد دو عنصر باور اعتمادی و رفتار اعتمادی (maxer, 1995: 109 - 134) را در نظر می‌گیریم:

باوراعتمادی[2] عبارت است از مجموعه‌ای ذهنی و موافق از باورها در مورد دیگران و روابط با آنها که بر اساس آن فرد، فرض می‌گیرد حرکات و اعمال دیگران برای وی نتایج مثبت دربرخواهد داشت که مؤلفه‌های خیرخواهی، روراستی و قابل‌پیش‌بینی بودن و صداقت شاخص‌های اصلی آن معرفی شده‌اند. (mellering, 2004: 540 - 556)

رفتار اعتمادی،[3] اعمال و رفتاری هستند که نشان می‌دهند چقدر اعتمادکننده به فرد معتمد، اعتماد دارد که مشتمل بر سه مؤلفه تشریک مساعی، سازگاری و حل تعارض است. (Diets, 2010: 3 - 14)

مهم‌ترین شاخصه‌های باور اعتمادی

یک. خیرخواهی و حسن ظن[4]

خیرخواهی بر این پایه است که ذات انسان به صورت بالقوه خیر و نیک‌سیرت آفریده شده است و تمایل به نیکی به دیگران و عشق به همنوعان به‌طور طبیعی در او وجود دارد. (karukas, 2012: 553 - 557) در حقیقت سبکی است که در آن فرد، دغدغه و توجه همه‌جانبه‌ای نسبت به دیگران دارد و از طریق رفتارهایی مانند فراهم کردن فرصت برای اصلاح اشتباهات، اجتناب از شرمنده کردن افراد در انظار عمومی و دغدغه برای پیشرفت دیگران، سولوک مناسبی را پی‌ریزی می‌کند. (wang, 2010: 106 - 121)

دو. قابل پیش‌بینی بودن و روراستی[5]

این مؤلفه به معنای نگرش مثبت در یک فرد، درباره رفتار یا اهداف افراد دیگر است و ایجادکننده سطحی از اطمینان است که شرکا در آن سطح، قصد دست‌اندازی و استثمار یکدیگر را ندارند. در حقیقت این شاخصه جنبه درونی داشته و با توجه کردن به عدم‌تظاهر در رفتار و پرورش وجدان جمعی و توانایی کنترل فردی و گروهی، منافع جمعی مشترک را میان افراد شکل می‌دهد. (خوش‌چهره، ۱۳۸۷: ۱۵)

---

1. Mayer.
2. Trusting Belief.
3. Action of Trusting.
4. Benevolence.
5. Consistency in Adversity, Being True to oneself.

سه. صداقت[1]

فضیلت اخلاقی است که در ارتباط شخص با خود، خدا، دیگر افراد جامعه و محیط تجلی پیدا می‌کند و درنتیجه آن میان ظاهر و باطن، گفتار با نوشتار و بیان کالبد و رفتار و همه اینها با یکدیگر تعادل برقرار می‌گردد. (نصیری‌زاده ۱۳۸۷: ۲) در مطالعه تعاریف و پژوهش‌های مختلف در این حوزه بر دو جنبه رفتاری صداقت به‌عنوان تطبیق گفتار و اعمال[2] و صداقت به‌عنوان رفتار و عمل، بر طبق اصول اخلاقی[3] (Batson, 1999: 525 - 537) تأکید می‌شود.

مهم‌ترین شاخصه‌های رفتار اعتمادی

یک. تشریک مساعی[4]

به رفتاری که انسان‌ها در جهت کمک به دیگران و به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، اشاره دارد و باعث ایجاد تعادل بین منافع فردی و جمعی می‌شود (Krishna, 2000: 21) و میزان ریسک‌پذیری و قابل اعتماد دانستن محیط زندگی از نظر فرد را افزایش می‌دهد. (Grootaert, 2005: 18)

دو. سازگاری و مدارا[5]

به معنای احترام گذاشتن، پذیرش و درک غنای فرهنگ‌ها و اشکال و شیوه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها است که به‌وسیله آگاهی، ارتباط و آزادی اندیشه، پرورش می‌یابد. مدارا، هماهنگی در عین تفاوت است که تنها یک وظیفه اخلاقی به‌شمار نمی‌رود بلکه یک نیاز قانونی و سیاسی است. مدارا، فضیلتی است که صلح را امکان‌پذیر می‌سازد و به جایگزینی فرهنگ صلح به‌جای فرهنگ جنگ کمک می‌کند. (یونسکو، ۱۹۹۵)

سه. حل تعارض[6]

میانجیگری افراد در جهت حل اختلافات و منازعات موجود میان آشنایان و همشهریان علاوه بر آنکه برای فرد رضایت به بار می‌آورد، باعث شکل‌گیری روابط سازنده و شبکه‌های حمایتی بالقوه می‌شود. (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۳۱۰)

---

1. Integrity.
2. Consistency of Words and Action.
3. Ethical Behavior.
4. Collaboration.
5. Compatibility and Tlerance.
6. Adjustment.

شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در امامت

یک. خدامحوری

بدین معنا که همه چیز به خداوند تعلق دارد و ما بنده او و ودیعه‌دارانی بیش نیستیم و هدف الهی از خلقت، رشد و تکامل انسان و آباد شدن دنیا و آخرت اوست و اطاعت خدا یعنی پذیرفتن قوانین و دستورات او برای رسیدن به رحمت الهی است. بر این اساس هدف انسان‌ها در اجتماع، رضایت الهی و تقواست. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۱۵، ۵۸۹ و ۲۱۵)

دو. ولایت‌محوری

ولایت که یکی از مفاهیم اصلی آن پیوستگی است (همان: ۵۲۰) در مکتب تشیع کلید تولید و تقویت سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آید. بر اساس آن، ریاست بر امور دین و دنیای مردم و تحقق بخشیدن به برنامه‌های الهی، اعم از حکومت و اجرای احکام الهی، تربیت و پرورش نفس انسانی در ظاهر و باطن با انتصاب الهی، بر عهده امام قرار می‌گیرد. (بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۴)

پذیرش ولایت امام بدین معناست که هریک از آحاد امت بایستی ارتباطی محکم و نیرومند با امام امت برقرار کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۶۳ ـ ۵۶۲) و با تبعیت حداکثری از امام در سه ساحت اندیشه، قلب و رفتار در جهت اتصال به او حرکت کنند.

در ولایت، امام، چونان مشعل فروزانی است که همگان او را نظاره می‌کنند و در تربیت نفس و کسب فضایل اخلاقی و تزکیه روان و رفتار خود از رذایل اخلاقی به‌عنوان اسوه و الگوی مناسب برمی‌گزینند. (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۳) امام، میزان و معیار است. حق را از باطل جدا می‌کند. تعادل و توازن اجتماعی را برقرار می‌کند. خوبی‌ها و بدی‌ها با او سنجیده می‌شود و راه‌ها با او تطبیق داده می‌شود. با وجود شاخصه عصمت در امام، شیعیان مطمئن خواهند بود که پیروی از امام رضایت الهی را برای آنان به همراه خواهد آورد و اجر خود را دریافت می‌کنند. به این ترتیب مفهوم ولایت در شیعه قاعده‌ای اساسی است که با وحدت‌بخشی، نیروهای شخصی را به یک توان و سرمایه اجتماعی تبدیل می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۵۶ ـ ۵۴۴) و به‌مثابه کشتی نجاتی است که بسیاری از ایثارگری‌ها و ازخودگذشتگی‌ها را در حوزه‌های مختلف روابط اجتماعی تقویت می‌کند.

سه. اُمت‌محوری

امامت به‌دنبال ساختن روح انسان و رساندن او به سر منزل تکامل مقدرش که در قرآن تحتِ‌عنوان تزکیه و تعلیم و تخلق انسان‌ها به اخلاق‌الله بیان شده می‌باشد (همان: ۵۱۵) و برای رسیدن به این هدف توجه

به بستر و ساخت اجتماعی و ایجاد نظام توحیدی که در آن همه چیز اعـم از سـنت، آداب، فرهنـگ و ... از خدا الهام می‌گیرد و از هوا و هوس‌ها تهی شده ضروری است. جامعه‌ای با مقررات و طـرز فکـر الهـی کـه کمال هم‌بستگی، اتحاد صفوف و فشردگی هرچه بیشتر آحاد و جناح‌هـای گونـاگون را در خـودش تـأمین می‌کند تا هیچ‌گونه تفرق و اختلافی در سرتاسر امت عظیم اسلامی نباشد. (همان: ۵۳۸ ـ ۵۲۱)

چهار. وحدت و اخوت

ولایت با ارائه هنجارهای مشترک و در جهت تشکیل امت اسـلامی بـر افـزایش ارتباطـات مطلـوب اجتماعی تأکید می‌کند. از این منظر، افراد جامعه همانند زنجیرهای به هم پیوسته تکمیل‌کننده هـم و پیونددهنده یکدیگر هستند و حرکت به طرف کمال و ابدیت به صورت کاروانی و از طریـق تعـاملات اجتماعی مؤمنانه انجام می‌گیرد. همه در این حرکت مسئولیت داشته و باید یکـدیگر را یـاری کننـد. امام علی‌علیه‌السلام در سخن مشهور خود خطاب به مردم می‌فرمایند، شما مسئولیت دارید که حقوقی را کـه بر عهده شما هست حتی نسبت به چهارپایان و زمین ادا کنید. (شـیخ رضـی، ۱۳۷۹: ۳۱۹) در جهـت شکل‌گیری امت اسلامی، اخوت، به‌مثابه یک شبکه بزرگ اجتماعی مطرح می‌شود که در آن مـؤمن، برادر، پدر و مادری مؤمن محسوب می‌شود. (خامنـه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۰۰) شـیرازه اخـوت در وجـود امـام نهفته است و با پذیرش ولایت، همه مؤمنان به‌وسیله خط طولی امام به یکـدیگر متصـل مـی‌شـوند. زمانی که فردی عضو این شبکه می‌شود، برادر ایمانی دیگر مسلمانان به‌شمار رفته و همگان در قبال او وظایفی پیدا می‌کنند و حقوقی را برای او به ارمغان می‌آورد که برخی از آنها عبارتند از احتـرام بـه مؤمن، حفظ آبروی مؤمن، حقوق هم‌نشین مؤمن، شاد کردن دل مؤمن، یاری برادران مؤمن، دفـاع از حیثیت مؤمن، حقوق همسایگان، نهی از آزردن مؤمن و ... . درواقع شبکه‌های اجتماعی که در سـایه اخوت شکل می‌گیرند، موجب دوستی مسلمانان و مهرورزی اهل ایمان با یکدیگر و اصلاح ذات‌البـین می‌گردند و روابط اجتماعی بر مبنای کرامت انسان‌ها ایجاد می‌کنند.

پنج. اعتماد

اعتماد به‌عنوان جزء اساسی سرمایه اجتماعی و به‌عنوان مهم‌ترین قسمت هم‌گراساز در جامعه، باعـث ایجاد یک رفتار قابل‌پیش‌بینی و معنی‌دارشدن روابط متقابل در جهت گسـترش مشـارکت در مسـائل عمومی شده و در حفظ انسجام و وحدت نظام اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. فقدان اعتماد به این معناست کـه جامعـه هنـوز توانـایی همکـاری و همیـاری را نـدارد. (خلفخـانی، ۱۳۸۶: ۱۱۵) وجـود شاخصه‌هایی چون عصمت و علم الهی در امام زمینه ایجاد اعتماد و استمرار آن را میان امـام و امـت

فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر ماهیت ولایت، مولد اعتماد است. از طرف دیگر با توجه به اینکه ولایت به‌دنبال ایجاد جامعه توحیدی است که در آن زمینه رشد و تکامل الهی انسان فراهم شود در آموزه‌های آن مؤلفه‌های ایجابی اعتماد، مانند امانتداری، وفای به عهد، حقوق برادران مؤمن و ... که موجب به وجود آمدن اعتماد می‌گردند و مؤلفه‌های سلبی آن مانند، نهی از تهمت، دروغ، کینه‌ورزی، نیرنگ، سخن‌چینی و نمامی، غیبت و ... که مانع از اضمحلال اعتماد در جامعه می‌شوند بسیار مورد تأکید قرار دارد. حال با توجه به مؤلفه‌های گفته شده به مهم‌ترین مصادیقی که تقویت‌کننده مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی هستند اشاره می‌کنیم.

امامت و تقویت سرمایه اجتماعی شناختی

همان‌طوری که ذکر شد در بعد شناختی سرمایه اجتماعی، هدف اصلی رسیدن به انسجام اجتماعی است که مجموعه هنجارهای اعتماد، جزء اساسی و گام اول تولید آن محسوب می‌شوند. در این قسمت به صورت اجمال به برخی از مصادیقی که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی امامت برگرفته‌شده و در تقویت دو عنصر اصلی اعتماد یعنی باور اعتمادی با مؤلفه‌های خیرخواهی، روراستی و قابل‌پیش‌بینی بودن و صداقت و رفتار اعتمادی با مؤلفه‌ها تشریک مساعی، سازگاری و مدارا و حل تعارض، نقش مهمی ایفا می‌کنند، می‌پردازیم.

امامت و تقویت باورهای اعتمادی

امامت و خیرخواهی و حسن‌ظن

«نَصح» در لغت، خالص شدن و خالص کردن است (شیرخانی، ۸۷:۱۳۹۷) و نصیحت به معنای کلمه‌ای است که به‌وسیله آن اراده خیر برای نصیحت‌شونده بیان می‌شود. (طریحی، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۴۱۸) چنان‌که گفته شد پیوستگی و اخوت بین مؤمنین یک قاعده مبنایی در ارتباطات اجتماعی شیعیان است که از مفهوم ولایت گرفته می‌شود و آن به این معناست که رسیدن به ولایت معصوم در گرو محبت، دلسوزی و خدمت به انسان‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۲۲ ـ ۵۱۹) و عدم رعایت احترام و حقوق مؤمنان به معنای عدم وصال به ولایت خواهد بود. با توجه به تأکیدات آن بزرگان بر این اصل که حتی از آن به‌عنوان صفت و غریزه مؤمن یاد شده است، «المؤمن غریزته النصح و سجیته الکظم» (نوری، ۱۴۱۲: ۲ / ۴۱۲) خیرخواهی در زمره ملزومات اصلی تشیع و دارای ابعاد گسترده حقوقی، سیاسی، فقهی و تربیتی است و هرگونه گفتار و کردار خیرخواهانه را شامل می‌شود. در این قسمت به تفکیک شواهد مؤید آن را در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یک. حوزه سیاسی

خیرخواهی در سیاست مفهومی عام و قلمرو گسترده‌ای دارد و هرگونه گفتار و کـردار خیرخواهانـه از سوی حاکم و مردم نسبت به یکدیگر و همچنین مردم نسبت به هم را دربرمـی‌گیـرد. (شـیخ رضـی، ۱۳۷۹: ۴۹ ـ ۴۵) بر همین اساس، مسائلی چون گزارش نقص‌ها و کاسـتی‌هـا بـه مسـئولان هـم از مصادیق نصیحت به ائمه مسلمین است. از سوی دیگر داد مظلوم از ظالم و ستاندن آن توسط حـاکم نیز از مصادیق خیرخواهی امام و حاکم می‌تواند قرار گیرد. (شیرخانی، ۱۳۹۷: ۸۶ ـ ۸۴)

دو. حوزه فردی

با توجه به نگاه توحیدی امامت، انسان‌ها عبادالله محسوب شده و به‌دلیل انتصـاب آنهـا بـه حضـرت احدیت خیرخواهی برای همه انسان‌ها ازجمله اموری است که باعـث جلـب رحمـت‌الهـی مـی‌شـود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۴۰ ـ ۳۳۹) حضرت علی‌علیه‌السلام فرمود:

> ابلغ ما تستدر به الرحمه ان تضمر لجمیع الناس الرحمه. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۰)
> رساترین و مهم‌ترین عاملی که سبب بهره‌مندی از رحمت ایزدی می‌شود این است که در باطن خیرخواه همه مردم باشی.

بر این اساس شیعیان باید همواره خیرخواه و خـدمتگزار دیگـران باشـند و چنانچـه دریافتنـد کـه خطری آنان را تهدید می‌کند، مشفقانه آنان را یاری کنند. این مهم باید در حضور و غیاب دیگران نیز جریان داشته باشد. بدین معنا که شیعیان از حالت دوگانگی بپرهیزند و این‌گونه نباشد کـه در حضـور، اظهار اخلاص کرده و در غیاب بی‌تفاوت باشند.

سه. حوزه اجتماعی

یک شیعه جامعه‌گرا است و کسی است که در عین استفاده از مواهب دنیا به‌دنبال خوبی‌هاست؛ دلسوز است و سعی می‌کند آنچه صلاح مردم است برای آنها فراهم آورد و به حقوق دیگران توجه می‌کند و در کنار آن به صورت معقول در حفظ آبروی خود و دیگران می‌کوشد. (شـیخ رضـی، ۱۳۷۹: ۵۰۹) در روایات چهار نشانه برای شخص خیرخواه بر شمرده شده است؛ به حقّ قضاوت می‌کنـد و از خـود بـه دیگران حقّ می‌دهد، برای مردم همان می‌پسندد که برای خود می‌پسندد و به حقّ هیچ‌کس درازدستی نمی‌کند. این چهار نشانه در تقویت سرمایه اجتماعی شناختی بسیار می‌تواند مؤثر باشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۰ / ۵۷) در همین جهت در روایات اعمال بدخواهانه بسیار مذمت شده است. چنان‌که امام صادق‌علیه‌السلام می‌فرماید، آن کس که بر ضدّ مؤمنی به قصد آبروریزی و از بین بردن آقایی او سخنی

گوید تا از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از ولایت خود خارج و به طرف ولایت شیطان رها می‌کند، ولی شیطان نیز او را نمی‌پذیرد (کلینی، ۱۳۷۶: ۲ / ۳۵۸) و در کنار آن رحمت و خیرخواهی را از صفات بهشتیان برمی‌شمارند و می‌فرمایند، هیچ مؤمنی برای برآوردن نیاز برادر مؤمنش قدمی برنمی‌دارد و برای او در برطرف‌کردن آن نیاز خیرخواهی نمی‌کند مگر اینکه خدا برای هرگام او حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی را پاک می‌کند، چه آن نیاز برآورده شود یا نشود. (مجلسی، ۱۳۷۱: ۶۹ / ۳۸۶)

حسن‌ظن و خوش‌گمانی

این مؤلفه نیز یکی از صفات شایسته اخلاقی است که در آموزه‌های امامان بر آن تأکید شده و از لوازم جلب دوستی و محبت مردم برشمرده‌شده است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲ / ۶۶) امام علی‌علیه‌السلام بدگمانی را مساوی با بی‌دینی می‌دانند و در جایی دیگر، بدترین مردم را کسی می‌دانند که به هیچ‌کس اعتمادی ندارد (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۷۰۳) و در مقابل، خوش‌گمانی را از اخلاق عاقلان می‌دانند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۳) با توجه به اینکه این شاخصه امری درونی و قلبی است، در جهت تقویت آن ائمه‌علیهم‌السلام به عقلانیت و کرامت نفس انسان‌ها توجه خاصی دارند. چراکه این دو قوه در تشخیص و انگیزه انسان‌ها در حرکت به طرف نیکی و صلاح و دور شدن از شر و فساد، نقشی اساسی ایفا می‌کنند و انسان را از عجب و خودخواهی به‌عنوان مهم‌ترین مانع خیرخواهی دور می‌کنند؛ چراکه انسان‌های مغرور، دیگر مخلوقات را ناچیز می‌شمارند و به همه مردم به دیده خواری نگاه می‌کنند و با خود محوری، خیر و هم‌گرایی اجتماعی را از بین می‌برند. بر همین اساس عقلانیت از ارزش‌های مطلقی است که در آموزه‌ها امامت به آن پرداخته شده است و از آن به پیامبر درون و وسیله پرستش خدا و به‌دست آوردن بهشت یاد شده است. امام صادق‌علیه‌السلام در این ارتباط می‌فرمایند، پایه شخصیت انسان عقل است و عقل، انسان را کامل می‌کند و راهنما و کلید کار اوست و چون عقلش به نورخدایی مؤید باشد دانشمند، حافظ، متذکر، با هوش و فهمیده باشد و از این‌رو بداند چگونه، چرا و کجاست و خیرخواه و بدخواه خود را بشناسد و چون آنها را شناخت، روش زندگی خویش را بشناسد و در یگانگی خدا و اعتراف به فرمانش مخلص شود. (کلینی، ۱۳۹۲: ۱ / ۶) طبیعی است که چنین دیدگاهی باعث می‌شود که انسان‌ها، با توجه به عقل و اتّصاف به صفت اخلاقی کرامت و بزرگواری و دوری از پستی و دنائت، کریمانه و بزرگوارانه به شخصیت وکرامت یکدیگر ارج نهند و خیرخواه یکدیگر شوند. (علینی، ۱۳۹۳: ۱۵۷)

امامت و قابل‌پیش‌بینی بودن و روراستی

چنان‌که گفته شد پذیرش ولایت امام بدین معناست که هریک ار آحاد امت بایستی ارتباط محکم و

نیرومندی با امام امت برقرارکنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۴۴) و ملاک ولایت داشتن، بـه معنـای تبعیـت حداکثری از امام در سه ساحت اندیشه، قلب و رفتار در جهت اتصال به اوست. شیعه حقیقی می‌کوشد خود را در این سه حوزه شبیه امام سازد. بنابراین مسیر شیعیان به سمت هماهنگی رفتاری بـا امامـان است و از طرف دیگر در آموزه‌های امامت توجه به تقوا و مؤلفه‌های ایجاد اعتماد اعم از ایجابی مانند، امانتداری، وفای به عهد، حقوق برادران مؤمن ... و سلبی ماننـد، نهـی از تهمـت، دروغ، کینـه‌ورزی، نیرنگ، سخن چینی و نمامی، غیبت و ... بسیار مورد تأکید قرارگرفته‌اند و شیعیان باید خود را متربـی به این تربیت سازند تا حفاظ درونی در مقابل این کژی‌ها پیدا کنند. این مهم، در تقویت این مؤلفه از سرمایه اجتماعی شناختی بسیار اثرگذار است که به بعضی از مصادیق آن اشاره می‌کنیم.

یک. تقوا

درونی کردن هنجارها یکی از مؤثرترین عوامل پیروی کردن از آنهاست (ملوین ال. دفلور و سـایرین، ۱۳۷۱: ۱۱۷) و در این جهت یکی از بارزترین قواعد حاکم بر نظام فکری و عملی شیعیان، تقوا و کار برای خداوند است. مسلماً کسی که خدا را خالصانه عبادت کند و قلب خـود را متوجـه صـفات نیـک پروردگارش نماید، در نحوه ارتباطش با مردم اثر می‌گذارد و موجب بهبود رابطه‌اش با مردم می‌شـود. نکته مهمی که در کلام معصومین وجود دارد بیان جزئیات وخصوصیات اخلاقـی، رفتـاری، فـردی و اجتماعی متقین است. در این بیان، یک شیعه به‌دنبال خوبی‌هاست، دلسوز است و سعی می‌کند آنچـه صلاح مردم است برای آنها فراهم آورد. به هنگام برخورداری از نعمت‌های الهی دچـار کبـر و غـرور نمی‌شود، به حقوق دیگران توجه می‌کند و در کنار آن به صورت معقول در حفظ آبروی خود ودیگران می‌کوشد (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۵۰۹) و جز با فروتنی و خاکسـاری و امانـت‌داری و بسـیاری یـاد خـدا شناخته نمی‌شود. در نگاه ائمه‌علیهم‌السلام پرهیزکاران هم به رابطه خود با خداوند توجـه دارنـد و هـم مـردم، نشاطاً فی هدی، در راه هدایت انرژی‌دهنده و شادی‌آفرین هستند و در عین حال در ارتباطات اجتمـاعی «منطقهم الصواب» است؛ یعنی، راست‌گویند، حرف زشت از دهانشان خارج نمی‌شود و افراد را بـا القـاب زشت نمی‌خوانند و گفتار و کردارشان با هم هماهنگ است. (میریان و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴۸) طبیعتاً ایـن صفات، انسان‌های قابل اعتماد و قابل‌پیش‌بینی را تربیت می‌کند.

دو. امانت‌داری و وفای به عهد

این صفت نیز در تقویت اعتماد و قابل‌پیش‌بینی شدن افراد بسیار مؤثر است که در آموزه‌های ائمه‌علیهم‌السلام بر آن تأکید شده است. به‌طوری که در کلام آن بزرگان از نشانه‌های دین‌داری شـمرده شـده اسـت:

«راس الاسلام الامانه» (التمیمی الامدی، ۱۳۶۶: ۴۷) و «شر الناس من لا یعتقد الامانه و لا یجتنب الخیانه» (همان: ۱۷۵) بدترین مردم کسی است که به امانت معتقد نباشد و از خیانت پرهیز نکند.

امامت و صداقت

صداقت، فضیلتی اخلاقی و کمال ذو مراتب است که در معنای وسیعش شامل، صدق در نیت، رفتار و ساختار است که در ارتباط فرد با خود، خدا، افراد دیگر جامعه و با محیط تجلی پیدا می‌کند و احراز آن از طریق مؤلفه‌هایی چون، انصاف، راست‌گویی به معنای مطابقت سخن با واقعیت و باور به‌دست می‌آید.

در آموزه‌های امامت، صداقت از خصوصیات عالی اخلاق انسان است که در زمره زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیک‌بختی انسان شناخته شده است و از آن به‌عنوان اساس هر نوع اصلاحِ فردی و اجتماعی و برادر عدالت (همان: ۲۶۵) و باعث جلب توفیق الهی (مجلسی، ۱۳۷۱: ۶۹ / ۳۸۶) یاد می‌شود. در مقابل، کذب و دروغ‌گویی ریشه همه فسادها و سرچشمه همه تباهی‌ها دانسته شده است. در کلام امامان، انسان برای به‌دست آوردن صداقت سه مرحله را باید پشت سر گذارد:

یک. صدق درگفتار

امام علی‌ﷺ می‌فرماید: راست‌گو باش، پس کسی که در گفتارش راست‌گو باشد، دارای قدر و منزلت خواهد بود. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸)

دو. صدق در کردار

امام علی‌ﷺ می‌فرماید، ای مردم! به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم، مگر اینکه پیش از شما خود به آن عمل کرده باشم و شما را از معصیتی نهی نمی‌کنم، مگر اینکه پیش از شما از آن دوری کرده باشم. (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۱۳۳۱) امام صادق‌ﷺ نیز در این رابطه می‌فرماید، مردم را با غیر زبانتان به کار نیک فرا بخوانید تا کوشش، راستی و پرهیزکاری را از شما مشاهده کنند. (کلینی، ۱۳۹۲: ۲ / ۸۶)

سه. صدق در پندار

انگیزه و اندیشه برای اعمال انسان بسان جان برای تن است. اساس کار را نیت و فکر آدمی می‌سازد و اعمال و رفتار انسان در حقیقت، برآمده از نیت اوست. بر این اساس میزان ارزشمندی عمل انسان

به اندیشه و نیتی است که در سر دارد. در کلام امام کاظم‌علیه‌السلام راست‌پنداری و صدق در نیت، پیش نیاز و پایه صدق در گفتار و کردار محسوب می‌شود و دین جز با نیت راست برقرار نمی‌گردد. (مجلسی، ۱۳۷۱: ۷۸ / ۳۱۲)

امامت و تقویت رفتار اعتمادی

امامت و تشریک مساعی

پیوستگی و اخوت مؤمنین در جهت شکل‌گیری امت اسلامی و ایجاد بستر مناسب برای رسیدن به اهداف الهی به‌عنوان یک قاعده مهم در بحث امامت مورد توجه است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۲۰) ائمه‌علیهم‌السلام با ارائه هنجارهای مشترک مبتنی بر فضائل اخلاقی بر افزایش ارتباطات مطلوب اجتماعی تأکید می‌کنند؛ چراکه از منظر دین، افراد جامعه همانند زنجیرهای به هم پیوسته تکمیل‌کننده هم و پیونددهنده یکدیگر هستند و حرکت به طرف کمال و ابدیت به صورت کاروانی و از طریق تعاملات اجتماعی مؤمنانه میسر است و همه در این حرکت مسئولیت داشته و باید یکدیگر را یاری کنند. بر همین اساس در آموزه‌های آنها راهکارهای بسیاری برای تقویت تشریک مساعی وجود دارد. که به دو مورد از مصادیق مهم آن اشاره می‌کنیم.

یک. ایثار

ایثار به معنی برگزیدن، عطاکردن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۸۶) در کلام ائمه‌علیهم‌السلام بالاترین درجه ایمان (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲) و از نشانه شیعه بودن بر شمرده شده است (مجلسی، ۱۳۷۱: ۶۸ / ۱۶۳ ـ ۱۶۲) و آن بدین معناست که یک شیعه با اینکه رفتاری مثبت و اعتمادآمیز از طرف مقابلش نمی‌بیند، به ارتباط مثبت با او دست می‌زند و در زندگی اجتماعی نیز با بخشش وگذشت با دیگران رفتار می‌کند و در برابرکارهای خیر خود هیچ پاداشی را از مردم انتظار ندارد؛ چراکه هدف او فقط جلب رضایت الهی است. ایثار در گونه‌های مختلفی چون، فداکردن جان، دادن مال، هزینه کردن اعتبار و گاهی اوقات ترکیبی از اینها انجام می‌گیرد.

دو. مواسات

در کنار ایثار مفهوم مواسات به‌عنوان بالاترین مرتبه ایثار و عنصری مهم در تقویت این مؤلفه در فرهنگ اهل‌بیت‌علیهم‌السلام مطرح می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۸) و آن بدین معنا است که انسان در

ایثار تا آنجا پیش رود که دیگران را در مال خود شریک کند و همسان آنان زندگی کند. امام صادق‌علیه‌السلام در تفسیر آیه «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در سوره عصر آیه ۳، عمل صالح را به معنای مواسات با برادران دینی می‌دانند. (حکیمی، ۱۳۸۵: ۵ / ۱۵۹) همچنین در روایت دیگری از آن حضرت، مواسات بین برادران دینی، حق مؤمنان بر یکدیگر معرفی شده و تأکید می‌شود که بایستی در این راه، حتی جان خویش را نیز فدای برادر مؤمن خویش کنند. (صدوق، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۲۸) بدیهی است که در این نگاه عمیق‌ترین و زیباترین شکل تشریک مساعی رخ خواهد داد.

امامت و سازگاری و مدارا

در ابتدا لازم است به این نکته اشاره داشته باشیم که مفهوم رفق و عفو، در فرهنگ اسلامی، با تساهل و تسامح یا مدارا در تفکر غربی کاملاً متفاوت است. مفهوم رفق و مدارا در اسلام به معنی سازش با هرگونه تفکر دینی و غیردینی و یا تأیید آنها نیست؛ زیرا اسلام متبنی بر پذیرش وجود حقیقت یگانه و اصول و قواعدی الهی است. چنین تفکری نمی‌تواند قواعد خارج از آن را اگر شامل اصول صحیحی نباشد، بپذیرد. ملاک حقانیت در دیدگاه دینی، کلام خداوند است که به‌عنوان آفریدگار انسان، اصول دینی اسلام را برای سیر تکاملی او تعیین نموده است. این در حالی است که بر مبنای تساهل غربی، حقانیت مطلق به این معنی وجود ندارد و هیچ مکتب و دینی نمی‌تواند ادعای شناخت و سیر به سوی حقیقت را داشته باشد. مطابق با این تفکر نسبی‌گرایانه و شکاکانه، هر اندیشه و روشی می‌تواند در جایگاه خود صحیح باشد و باید طرف‌داران اندیشه‌های گوناگون، نسبت به هم تساهل مطلق داشته باشند. چنان‌که مشهود است، این تفکر کاملاً با تفکر اسلامی در مورد رفق و مدارا تفاوت دارد و به هیچ عنوان هدف اسلام را که همان رسیدن انسان به کمال عالی است، دنبال نمی‌کند. (خدری، ۱۳۹۴: ۷۱ ـ ۷۰)

چنان‌که در بحث‌های قبلی نیز اشاره شد قاعده کلی در امامت، حرکت در جهت تقویت پیوستگی مؤمنین و تشکیل امت اسلامی مبتنی بر اخوت و مسئولیت همگان در جهت هدایت است. بر همین اساس به اهم توصیه‌های ائمه‌علیهم‌السلام که تقویت‌کننده این مؤلفه است، می‌پردازیم:

یک. حُسن خلق (خوش برخوردی) و حُسن معاشرت (ادب)

به شیعیان توصیه شده است ضمن حفظ شئونات اسلامی و حسن معاشرت در جامعه (مردم‌داری) و همراهی با مردم در اخلاق و عادات پسندیده و افعال نیکو (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۴۰۱ ــ ۳۸۱) در برخورد

با عقاید متفاوت نیز با حسن خلق برخورد کرده و با گذشت و مدارای آگاهانـه، بـا برخـورد منطقـی و مستدل و به دور از توهین به دفاع ازعقاید خود بپردازند. (صدوق، بی‌تا: ۲۹۰)

دو. تحمل مخالف

ائمّه اطهار علیهم‌السلام همان‌گونه که در اجرای دستورات خداوند انعطاف‌ناپذیر و جدی بودنـد، در مواجهـه بـا مخالفان خود تا آنجا که شرع اجازه می‌داد به‌ویژه هنگامی که به شخص خودشـان جفـا یـا تـوهینی صورت می‌گرفت، با عفو و مدارا برخورد می‌کردند. در بیانی دیگر امام علی علیه‌السلام سفارش می‌کننـد کـه شیعیان در برابر تفاوت‌ها و عقاید متفاوت باید ضمن اولویت دادن به موازین شـرعی، بـا دیگـران بـا احترام و نیکویی سخن بگوینـد (رفیـع‌پـور، ۱۳۸۲، ۲۳۳؛ شـیخ رضـی، ۱۳۷۹: ۶۶۵) و از اهانـت بـه مقدسات دیگران حتی مشرکان اجتناب نمایند.

امامت و حل تعارضات

چنان‌که بیان شد پذیرش ولایت امام مهم‌ترین عامل اعتمادبخش و از بـین برنـده تعارضـات اسـت؛ چراکه امام به‌عنوان اسوه و الگوی شیعیان برای حرکت در مسیر انسانیت میزان و معیار است، حق را از باطل جدا می‌کند و تعادل و توازن اجتماعی را برقرار می‌کند. خـوبی‌هـا و بـدی‌هـا بـا او سـنجیده می‌شود و راه‌ها با او تطبیق داده می‌شود و در نتیجه اختلافات و تفاوت‌ها از میـان مـی‌رود و سـرمایه اجتماعی در جامعه حفظ و استمرار می‌یابد. در همین راستا برای تقویت اخوت اسلامی مکانیسم‌هـایی برای حل و کاهش تعارضات درآموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام مطرح شده که به‌طور اجمال به بعضی از آنهـا اشاره می‌کنیم.

یک. ایجاد ارتباطات برادرانه

طبیعتاً هرچه روابط انسان‌ها همراه با احترام، محبت، دلسوزی ورعایت حقـوق دیگـران باشـد زمینـه شکل‌گیری تعارضات کاهش می‌یابد. این مهم درکلام اهل‌بیت علیهم‌السلام بسـیار مـورد تأکیـد اسـت. امـام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند، کسی که مؤمنی را شادکند، خداوند روز قیامت دل او را شاد مـی‌کنـد. (کلینـی، ۱۳۶۸: ۲ / ۱۹۳) همچنین می‌فرمایند، کسی که برادر مسلمان خود را با سـخنی ملاطفـت‌آمیـز و بـا هدف رفع مشکلش گرامی بدارد تا هنگامی که در این حال است، در سایه رحمت خداونـد قـرار دارد. (همان: ۲ / ۲۰۷) همچنین امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند، کسـی کـه بـا مـردم بـا مسـالمت رفتـار کنـد، دوستانش بسیار و دشمنانش اندک شوند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱ / ۵)

دو. تشویق بیان نظرات موافق و مخالف

یکی از زمینه‌های نارضایتی افراد، بی‌توجهی به نظرات آنهاست. در جهت کاهش تعارضات در این آموزه‌ها تأکید بر تضارب آراء و زمینه‌سازی برای بیان نظرات مخالف و منتقد شده است. امام علی‌علیه‌السلام می‌فرماید، تضارب آراء کنید تا اندیشه درست متولد شود و نیز می‌فرماید، رأی را مانند جنباندن مشک بر هم زنید تا رأی درست و محکم برایتان به بار آید و هر که به استقبال آرای مختلف برود جایگاه خطا را بهتر خواهد شناخت. (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۶۶۵) تأکید بر مشورت نیز در همین راستا قرار دارد؛ امام علی‌علیه‌السلام می‌فرماید هرکس با رجال مشورت کند، از اندیشه آنها بهره گرفته است. (همان)

سه. شفاف‌سازی

در بحث کاهش تعارضات، لزوم شفاف‌سازی و پرهیز از ابهام بسیار ضروری است. امام علی‌علیه‌السلام به مالک اشتر می‌فرماید، به ابهام‌زدایی برخیز و با منطق روشن، دلیل خود را از انجام هر کار بیان کن و گمان‌های دیگران را در مورد خود تعدیل و تصحیح نما و با رفع ابهام و بیان حقیقت بدگمانی‌ها را از بین می‌بری و به موفقیت خواهی رسید. (همان: ۴۸۹)

چهار. عدالت‌محوری

تأکید بر عدالت به معنای رساندن مردم به حق خود در کاهش تعارضات می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. در همین راستا بر پرهیز از رفتارهای منجر به بروز کدورت و سبک‌های زورمآبانه و در نتیجه شکل‌گیری تعارضات مخرب تأکید شده است و از همه به‌خصوص مدیران خواسته شده است که در جهت حل تعارضات پیشگام باشند. امام علی‌علیه‌السلام در نامه مشهور خود به مالک اشتر می‌فرماید، مبادا در مسند قدرت، برخوردهای تو مانند جانور درنده‌ای باشد که فرصت خوردن آنان (زیردستان) را غنیمت شماری. (همان: ۵۶۷)

نتیجه

در زمان کنونی که مدیران کشور در تلاش برای دستیابی به الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت هستند، بسیار حیاتی خواهد بود که بحث سرمایه اجتماعی وکنترل و به‌کارگیری مؤثر آن در مسیر رشد و توسعه کشورمان مورد توجه قرار گیرد. این امر تنها در سایه شناخت ماهیت آن، عوامل موجد آن و آشنایی با روش‌های تقویت آن ممکن است. این مقاله تلاش داشت که ضمن توجه به مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی شناختی، دلالت‌های مفهومی آن را در مجموعه آموزه‌های

امامت مشخص کند. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که امامت با ارائه هنجارهـایی ماننـد ایثار، اصلاح بین مردم، صداقت، عقلانیت، روراستی، حسن‌ظن، صراحت و شفافیت، عدالت، وفـاداری، خیرخواهی و ... به‌عنوان عوامل مؤثر بر اعتماد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد ذهنیـت مثبـت فردی و اجتماعی و استحکام روابط اجتماعی و شکل‌گیری شبکه‌های ارتبـاطی و بـالا رفـتن اعتمـاد اجتماعی نقش ایفا می‌کنند و از عوامل مهم و اساسی در شکل‌گیـری سـرمایه اجتمـاعی شـناختی و تقویت آن در ابعاد ذهنی و عینی محسوب می‌شوند.

آنچه موجب تمایز هنجارهای سرمایه اجتماعی در ایـن آمـوزه‌هـا بـا هنجارهـای متعـارف سـرمایه اجتماعی می‌شود، لحاظ رضـایت الهـی و تأکیـد خـاص بـر اعتمـاد و سـرمایه اجتمـاعی درون‌گروهـی مسلمانان است. کنش‌ها بر اساس این هنجارها فرامادی شده و با مطرح کردن کمال واقعی انسان یعنی تقرب به خداوند سرمایه اجتماعی متعالی را شکل می‌دهند و تقوا به این معنا که فـرد موحـد بـا تنظـیم روابط خود درتمامی سطوح، رضایت خداوند را مدّ نظر دارد به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه مطرح می‌شود.

این هنجارها در وهله نخست به تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با مسلمانان خـتم می‌شود و در مرحله بعد با گسترش روابط با دیگر انسان‌ها بر اساس تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز، سرمایه اجتماعی بین گروهی را شکل خواهند داد. درواقع بایـد گفـت کـه امـام در اندیشـه شـیعیان، سرمایه بسیار عظیمی است که در صورت استفاده از آن کشورمان را قـادر خواهـد کـرد کـه فراتـر از مدل‌های صرفاً غربی به کمک مدل‌های برآمده از مفاهیم اساسـی و ارزش‌هـای بنیـادی امامـت بـه تقویت اثـربخش سرمایه اجتماعی در جامعه بپردازد.

منابع و مآخذ

ـ قرآن کریم.

ـ ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۸۲، ***مبانی سیاست***، تهران، نشر قومس.

ـ اختر محققی، مهدی، ۱۳۸۵، ***سرمایه اجتماعی***، تهران، نشر مهدی اختر محققی.

ـ اسماعیلی، حسـن، ۱۳۸۵، ***بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سـطح‌بنـدی آن در شهرسـتان‌هـای استان اصفهان***، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

ـ بحرانی، میثم بن علی، ۱۳۵۵، ***قواعدالمرام فی علم الکلام***، قم، انتشارات مهر.

ـ تاجبخش، کیان، ۱۳۸۴، ***سرمایه اجتمـاعی اعتمـاد و دموکراسـی***، ترجمـه افشـین خاکبـاز و حسـن پویان، تهران، نشر شیرازه.

- تحقیقی، امیر حسین، ۱۳۸۲، «سرمایه اجتماعی شرط لازم برای توسعه»، ***فصلنامه اندیشه صادق***، ش ۱۱ و۱۲، ص ۲۹ ـ ۲۰.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۶۶، ***تصنیف غرر الحکم و درر الکلم***، محقق و مصحح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
- حکیمی، محمد رضا، ۱۳۸۵، ***الحیاه***، ترجمه احمد آرام، قم، انتشارات دلیل ما، چ 5.
- حمیدی‌زاده، علی، ۱۳۹۷، «واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران»، ***مجله مدیریت سرمایه اجتماعی***، دوره ۵، ش ۱، ص ۱۰۹ـ ۹۱.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۶، ***طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن***، قم، مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.
- خدری، غلامحسین، ۱۳۹٤، «کاوشی در معنای تساهل و تسامح در دو فرهنگ اسلامی و غربی»، ***فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)***، سال دهم، دوره جدید، ش ۳۹، ص ۷۲ـ۵۰.
- خلفخانی، مهدی، ۱۳۸۶، سرمایه اجتماعی پایگاه اجتماعی توسعه، تهران، پژوهشنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۴، ص ۱۲۴ـ ۹۱.
- خوش‌چهره، محمد و همکاران، ۱۳۸۷، سرمایه اجتماعی و توسعه، نشر راهبرد یاس، ش ۱٦، ص ٥٤ ـ ۹.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۷، ***فرهنگ دهخدا***، تهران، چاپ سیروس، چ 1.
- دهقانی، بابک، ۱۳۸۲، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، ***فصلنامه اندیشه صادق***، ش ۱۱ و۱۲.
- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۸۲، ***آناتومی جامعه***، تهران، شرکت سهامی انتشار لیتوگرافی کاوه نو، چ 3.
- شارع‌پور، محمود، ۱۳۸۵، ***سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری***، ساری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران.
- شیخ رضی، شریف، ۱۳۷۹، ***نهج‌البلاغه***، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات لاهیجی.
- شیرخانی، علی، ۱۳۹۷، «نصیحت در فقه سیاسی شیعه»، ***مجله علوم سیاسی***، سال بیست‌ویکم، ش ۸۳
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۲، ***الخصال***، ترجمه یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر.
- طریحی، فخرالدین، ۱٤۰٦ ق، ***مجمع البحرین***، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی، ۱۳۸٦، «سرمایه اجتماعی در ایرانی، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، ***فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی***، سال ٦، ش ۲۵، ص ۲۳۲ ـ ۱۹۵.

- علینی، محمد، غفاری، غلامرضا، زهیری، علیرضا، ۱۳۹۳، ***مبانی دینی سرمایه اجتماعی و نسبت آن با حکمرانی خوب دانشگاه با قر العلوم***، ش ۶۷.
- فتحی، یوسف، ۱۳۹۲، ***سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی***، تهران، نشر معارف.
- فیلد، جان، ۱۳۸۶، ***سرمایه اجتماعی***، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، انتشارات کویر.
- کتابی، محمود، گنجی، محمد، احمدی، یعقوب و رضا معصومی، ۱۳۸۳،« دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، ***فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی***، ش ۱۷، ص ۱۹۲ـ ۱۶۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۶، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه.
- گنجی، محمد و مینا هلالی ستوده، ۱۳۹۰، «رابطه گونه‌های دین‌داری و سرمایه اجتماعی (رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان)»، ***فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی***، ش ۲، ص ۱۲۰ ـ ۹۵.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۱، ***بحارالانوار***، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸٤، ***میزان الحکمه***، قم، انتشارات دارالحدیث.
- میریان، فردوس و محسن صمدانیان، ۱۳۸۸، «هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، ***مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث***، سال چهل و یکم، ش پیاپی ۳ / ۸۲ ، ص ۱۵۸ـ ۱۲۷.
- نصیری‌زاده، مژگان، ۱۳۸۷، «علل عدم صداقت در سازمانها و نقش مدیران در ترویج صداقت»، دانشگاه علوم پزشکی تهران، معاونت توسعه مدیریت و برنامه ریزی منابع، ***مجله الکترونیکی پیک مدیران ۲***، ص ۳ ـ ۱.
- نوری، میرزا حسین، ۱٤۱۲ ق، ***مستدرک الوسائل***، قم، موسسه آل‌البیت لاحیاء الثراث.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۵، ***یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان***، دفتر طرح‌های ملی مرکز آمار ایران، موج سوم، گزارش کشوری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، دفتر طرح های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی.
- Batson C, Thompson E, Seuferling G, Whitney H, Strongman J, 1999, Moral hypocrisy: Appearingmoral to oneself without being so, ***Journal of Personality and Social Psychology***, Vol. 77 (3), P. 525-537.
- Durkheim, E, 1912, ***Les Formes Elementaires de la vie Religieuse***, Paris, Alcan.
- Greeley, A, 1997a, "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital." ***American Behavioral Scientist***, Vol. 40 (5), P. 587-594.
- Grootaert, christiaan, DeepaNarayan, Veronica Nyhan Jones and Michael woolcock, 2005, ***Measuring Social Capital an Integrated Questionnaire***, world bank working paper, no. 18.

- Ikonen, M, 2013, Trust Development and Dynamics at Dyadic level, A Narrative APProach to Studying Processes of Interpersonal Trust in Leader-Follower Relationships, ***Dissertations in Social Sciences and Business Studies***, University of Eastern Finland.
- Karakas, F. & Sarigollu, E, 2012, Benevolent leadership: conceptualization and construct development, ***Journal of Business Ethics***, Vol. 108 (7), P. 537-553.
- Krishna, anirudh and Elizabeth shrader, 2000, ***Cross-Cultural Measure of Social capital: a tool and results from India and Panama***, Washington DC: world bank social capital initiative paper, no. 21.
- Lowe KB, Cordery J, Morrison D, 2004, Amodel for the attribution of leader integrity: ***Peeking inside the black box of authenticleadership***, Gallup Leadership Institute conference, Lincoln: University of Nebraska Press, P. 46-50.
- Mayer, R. C., Davis, J. H. & Schoorman, F. D, 1995, ***An integrative model of organizational trust***, Academy of Management Review, Vol. 20, P: 709-734.
- Mcknight, D. H. & Chervany, N. L, 2001, ***Conceptualizing Trust: A Typology and E- Commerce Customer Relationships Model***, proceedings of The 34 th Hawai international Conference On System Scievce.
- Möllering, G., Bachmann, R. & Soo, H. L, 2004, Introduction: Derstanding Organizational Trust Foundations, Constellations and Issues Of Operationalization, ***Journal of Managerial Psychology***, Vol. 19 (6), P: 556-570.
- UNESCO, 1995, "***Declaration of Principles on Tolerance***", URL: http://www.unesco.org / cpp, 1387/8/15.
- Uphoff, N, 2000, “Understanding social capital: Learning from the analysisand experience of participation”. In: Dasgupta, p. and Serageldin, (eds.), ***Social Capital: A Multifaceted Perspective***, Washington, DC: The World Bank.
- Wang, A.C. & Cheng, B.S, 2010, When does benevolent leadership lead tocreativity? The moderating role of creative role identity and job autonomy, ***Journal of Organizational Behavior***, Vol. 31 (1), P. 106-121.
- Weller, paul,2011, religions and social capital, theses on religion (s), and social (ies): with particular referenece to the united kingdom, and the European union, ***Journal of internation migration and integration***, vol. 6, No. 2, 271-289, dol:10, 1007/s 12134.